



Azizi Bank Master Card

f in t y www.azizibank.af 1515



چرا احمدزی از علیزایی حمایت کرد؟



صفحه ۳

کشته شدن شش جنرال پاکستانی طالبان در سرپرل



صفحه ۶

نتیجه یک نظر سنجی:

دولت فسیبوک را محدود می کند

صفحه ۶

نظری:

یوشمیر گوندونو د بنخو سیاسی مشارکت پام کی نه دی نیولی

صفحه ۶

تلاش برای انکشاف

به تاسی از سیاست ملی و انکشافی دولت جمهوری اسلامی افغانستان برای تحقق انکشاف متوازن، رشد اقتصادی - اجتماعی و تأمین زمینه های کار و زنده گی مرفه برای شهروندان سراسر افغانستان، رهبری وزارت احیا و انکشاف دهات، تلاش های گسترده بیشتری را در راستای تسریع انکشاف، ایجاد زمینه های رفاه و رفع مشکلات معیشتی روستاییان کشور آغاز نموده است.

انجنیر نصیر احمد درانی وزیر احیا و انکشاف دهات، از مدتی بدینسو یک سلسله سفرهای کاری به ولایات کشور انجام داده است. وی علاوه بر افتتاح، سپردن دهها پروژه انکشافی به بهره برداری، گشایش آغاز کار پروژه های انکشافی و تطبیق عملی پروژه حفظ و مراقبت برنامه همستگی ملی (که در زیر چتر «برنامه ملی ایجاد کار برای صلح» آغاز گردیده است)، وضعیت انکشافی روستاها را از نزدیک مشاهده نموده و دستاورد های برجسته و چشمگیری نیز در رابطه با تحقق آرمان رشد و آسایش در زنده گی روستاییان، داشته است.

وزیر احیا و انکشاف دهات در پیوند به سفرهایش، در سفری که اخیراً به ولایت لوگر داشت، ساختمان تعمیر اداری برنامه همستگی ملی ریاست احیا و انکشاف دهات و آغاز کار کانکریت ریزی یک سرک روستایی را در مربوطات این ولایت افتتاح نمود.

قابل یادآوریست که ساختمان تعمیر اداری برنامه همستگی ملی به هزینه (۱۳) میلیون و (۶۷) هزار افغانی تکمیل شده و در سه طبقه، دارای (۱۵) اتاق اداری، (۴) باب تشناب و دو باب آشپزخانه به طور پخته و اساسی از بودجه بانک جهانی و برنامه همستگی ملی اعمار گردیده است.

انجنیر نصیر احمد درانی وزیر احیا و انکشاف دهات، در رابطه گفت:

«با اعمار این ساختمان، مشکل کمبود جای اداره مربوطه مرفوع شده و کارمندان آن امور اداری خود را به وجه احسن در آینده به پیش میبرند. زمینی که از طرف ریاست احیا و انکشاف دهات در مجتمع اداری ولایت لوگر برای این تعمیر در نظر گرفته شده است، مساحت آن (۴۰۰) متر مربع بوده و زیر بنای آن (۳۲۴،۵) متر مربع میباشد.»

علاوئاً کار کانکریت ریزی سرک خوشی در شهرک کوچیان پل علم نیز طی این سفر به وسیله وزیر احیا و انکشاف دهات افتتاح گردید و زمینه را برای تسهیل معضله ترانسپورتی مردم روستاهاییکه با این سرک باهم وصل میشوند، فراهم آورد.

باید گفت که این جاده با (۳) کیلومتر طول و (۵) متر عرض در برگیرنده (۸) پلچک و ساختمان های آبرو، به هزینه (۲۸) میلیون و (۳۰۹) هزار افغانی از طریق وزارت احیا و انکشاف دهات تطبیق شده و از سرک عمومی ولسوالی خوشی الی شهرک مهاجرین و کوچیان پل علم مرکز ولایت لوگر امتداد داشته که در مدت (۱۷۰) روز آینده تکمیل

می گردد.

وزیر احیا و انکشاف دهات، حین افتتاح کار این پروژه اظهار داشت:

«این وزارت از سال (۱۳۸۱) تا ماه میزان سال (۱۳۹۳) در مجموع به تعداد (۱۳۸۱) پروژه توسعه یی را در سکتورهای تهیه آب آشامیدنی، آبیاری، ترانسپورت، انکشاف محل، برق، صحت، تعلیم و تربیه و معیشت به ارزش مجموعی بیش از (۲۸) میلیون دالر تطبیق و تکمیل کرده است. اما زمانیکه مسؤولیت این وزارت به من سپرده شد؛ طی دو سال (۴۰۷) پروژه به مصرف (۱۰) میلیون و (۷۰۰) هزار دالر تطبیق گردیده و هم اکنون یک تعداد پروژه های دیگر نیز به هزینه بیش از (۸) میلیون دالر تحت کار است.»

وزارت احیا و انکشاف دهات به منظور رعایت عدالت اجتماعی و انکشاف متوازن، مصمم است تا تطبیق برخی از پروژه های انکشافی را در ولایت های محروم و کمتر انکشاف یافته، مانند لوگر، غزنی، زابل، پکتیکا، دایکندی، فراه، نورستان، غور و میدان وردگ، بیشتر سازد. زیرا بنا به گفته وزیر احیا و انکشاف دهات طی چند سال گذشته در ولایات نامبرده، پروژه های انکشافی نسبت به ولایت های دیگر کمتر تطبیق شده است.

انجنیر نصیر احمد درانی در یک گردهمایی وسیع مردم که با اشتراک والی لوگر، کارمندان ارشد ادارات دولتی آن ولایت، رییس و اعضای شورای ولایتی و جمعی از متنفذین و باشنده گان ولایت لوگر تدویر یافته بود، گفت:

«به منظور تقویت اقتصاد زراعتی لوگر و وصل ساختن قریه ها و مزارع آن به مارکیته ها و مراکز ولسوالی ها در نظر داریم تا چند پروژه سرک سازی دیگر را نیز در آینده نزدیک در برخی از ولسوالی های ولایت لوگر عملی کنیم.»

وی افزود:

«در حال حاضر کار بازسازی شانزده کانال آبیاری نیز در ولسوالی محمدآغه و پل علم لوگر ادامه دارد و تا ختم کار این کانالها برای بیش از (۶۰) هزار تن زمینه کار موقت مساعد می شود. هم اکنون، کار بیش از (۳۰۰) پروژه به ارزش (۷،۸) میلیون دالر در بخش های گوناگون در مرکز و ولسوالی های ولایت لوگر ادامه دارد و اکثریت این پروژه ها تا آخر سال مالی جاری تکمیل می شود.»

درواقع تلاش وزارت احیا و انکشاف دهات از طریق برنامه های مختلف انکشافی آن، ایجاد زمینه های رفاه و آسایش برای روستاییان کشور بوده و در این راستا پیوسته کار صورت میگیرد تا پایایی و تداوم پروژه های انکشافی نیز تضمین گردد. البته برنامه همستگی ملی وزارت احیا و انکشاف دهات به خاطر تحقق بخشیدن به تداوم پروژه های انکشافی اكمال شده خویش، همواره راهکارهایی را به کار بسته که تطبیق پروژه حفظ و مراقبت و کارایی (MCG) نیز یکی از این تلاش هاست.

به قول وزیر احیا و انکشاف دهات، «هم اکنون برنامه کارایی این وزارت در پانزده ولایت جریان دارد و به زودی به منظور بازسازی و ایجاد زمینه های اشتغال در ولایت لوگر نیز آغاز می شود. خوشبختانه با شروع این برنامه در (۲۶۹) روستا برای (۲۴) هزار لوگری زمینه های کارایی کوتاه مدت مساعد می شود و در عین حال ضمن ایجاد کار، صدها پروژه نیز به ارزش (۱۷۴) میلیون افغانی حفظ و مراقبت می شوند.»



احمد عمران

یک جنگ و هزار هوس



قدرت خویش سهم تذکر گرفته در توافق نامه سیاسی دولت وحدت ملی را قابل شود، هم دست به دامن قدرت نرم کشورهای اصلی کمک کننده به افغانستان - مانند ایالات متحده - شده و هم می‌کوشد میدان جنگ طالبان را در مناطقی از کشور داغ نگه دارد که مجال عقلانی و عملی طرح و اجرای مطالبات ریاست اجرایی هموار نگردد.

باید توجه داشت که ریاست جمهوری منابع زیادی برای ایجاد سوءظن در افکار عمومی در مورد خواست‌های دکتر عبدالله در اختیار دارد و این منابع به صورت دوامدار تلاش می‌ورزند که تعبیرهای دیگری، آن گونه که خودشان می‌خواهند، از جارو و جنجال‌های سیاسی ارایه کنند و دیدگاه جامعه را دچار تردید سازند. برخی‌ها در فضای مجازی و با هم در رسانه‌های همه‌گانی به صورت پیوسته تأکید می‌ورزند که مشکل آقای عبدالله تنها فشار متحدان او در تیم اصلاحات و همگرایی و تقسیم چوکی‌هاست.

تقلیل خواست‌های دکتر عبدالله در این حد و پایه، بدون شک نه با اصل این خواست‌ها مطابقت دارد و نه می‌تواند منطقی به نظر برسد. ارگ ریاست جمهوری، بسیار عمدی در این روزها می‌کوشد که از ناامنی موجود و خواست‌های آقای عبدالله چنین روایتی را وارد افکار عمومی جامعه کند. اما مسلماً اصلاح نظام انتخاباتی، توزیع شناسنامه‌های الکترونیک و برگزاری لویه جرگه تعدیل قانون اساسی بر اساس مفاد توافق نامه سیاسی که رئیس‌جمهوری ریاست اجرایی را شکل می‌دهند، همان خواسته‌های مشروعی هستند که برای پایان یافتن جنگ و ایجاد ثبات پایدار در کشور طرح می‌شوند.

مردم افغانستان همه این مسایل را باید به صورت یک "بسته" مطالعه و تحلیل کنند و ربط وثیق گزاره‌های موجود در آن را دریابند. مسلماً جنگ موجود در کشور با خلاهای ساختاری نظام بی‌ارتباط نیست و بی‌کاری و نبود نان و مسکن نیز خالی از پیوند با جنگ و نواقص ساختاری نظام نمی‌باشد.

چه خوب است آقای غنی با این معضلات، صادقانه برخورد کند و جنگ و ناامنی را دستاویزی برای زیر پا کردن توافق نامه سیاسی نسازد!

و انتقاد یک‌سره و آتشین از نظام در شبکه‌های اجتماعی، آن هم بدون ارایه راهکار سازنده، حرکتی در مسیر خواسته‌های دشمن می‌تواند تلقی گردد.

بسیاری از آگاهان باور دارند که طالبان به صورت تصادفی و یا هم بر اساس توانایی‌های نظامی خودشان، نمی‌توانند این همه تحرک و تعرض را مدیریت کنند؛ بلکه دست‌هایی در داخل و بیرون کشور وجود دارند که به آن‌ها خط می‌دهند و حوادث را در مسیرها و مکان‌های مشخص مدیریت می‌کنند. چنان‌که در جنگ‌های دهه‌نوعوری بغلان و خان‌آباد کندز، سربازان تلویحا از وجود برخی توطئه‌های مرموز علیه خود و هم‌سنگران‌شان سخن گفتند.

برخی‌ها می‌گویند: ناامن‌سازی شمال و جنوب کشور به صورت کنترل‌شده، جزو "استراتژی‌های کلان" می‌باشد؛ استراتژی‌هایی که سرخ‌های خارجی و داخلی دارند؛ به این معنا که ما در معرض جنگی پیچیده و ذوالوجه قرار گرفته‌ایم که در یک سر آن، مردم بی‌گناه افغانستان و در سر دیگرش، صدها رقم گروه و هوا و هوس استخباراتی وجود دارد که هر کس به امید و ظن خود به این میدان پیوسته است.

اما در این اوضاع و احوال که حفظ روحیه مقاومت مردم و تقویت وجوه مثبت نظام ارزش حیاتی دارد، بروز اختلافات میان ریاست جمهوری و ریاست اجرایی نیز به زنگ خطر دیگری برای جامعه تبدیل شده است.

هنوز مشخص نیست که چه زمانی گفت‌وگوهای آقای غنی و دکتر عبدالله برای حل اختلافات‌شان به نتیجه خواهد رسید. بسیاری‌ها معتقد اند که ارگ ریاست جمهوری به‌ساده‌گی حاضر به پذیرش خواست‌های قصر سپیدار نخواهد شد. به گفته این منابع، شاید رئیس‌جمهوری برای پایان دادن به جو موجود و از سر ناگزیری، به برخی از خواسته‌های رئیس‌اجرایی در زبان پاسخ مثبت دهد ولی هیچ ضمانتی برای اجرایی شدن آن‌ها وجود ندارد.

حتا گفته می‌شود که ریاست‌جمهوری از ناامنی‌ها و نابسامانی‌های موجود در کشور قلباً استقبال می‌کند تا بدین‌وسیله خواست‌های رئیس‌اجرایی را بی‌موقع و خارج از عقلانیت سیاسی به مردم بنمایاند و به تدریج او را از پیگیری خواسته‌های مشروع و مردم‌پسند منصرف سازد. برخی صاحب‌نظران می‌گویند: آقای غنی از آن‌جا که نمی‌خواهد به شریک

چندین ماه است که از بدخشان تا هلمند و از فاریاب تا زابل، کشور در آتش جنگ و ناامنی می‌سوزد. طالبان به‌صورت بی‌سابقه ولایت‌های زیادی در شمال و جنوب را زیر فشار نظامی قرار داده و تلاش دارند که وارد شهرهای مهم کشور شوند و یا دست‌کم در آن‌ها وحشت بیافرینند. در آخرین روزهای ماه گذشته، با سقوط خان‌آباد و شدت گرفتن جنگ در دیگر ولسوالی‌ها، مرکز ولایت کندز دوباره در معرض سقوط قرار گرفت و چیزی نماند که فاجعه ۶۶ میزان سال گذشته دوباره تکرار گردد.

سال گذشته، طالبان موفق شدند برای چند روز کنترل ولایت استراتژیک کندز در شمال را به دست بگیرند. سقوط کندز برای دولت تازه‌تأسیس وحدت ملی بسیار هزینه‌بر بود. اشرف غنی رئیس‌جمهوری کشور که یک روز پیش از سقوط کندز به‌دست طالبان در ارگ سخنرانی می‌کرد، با آرامش تمام از "تحت مدیریت قرار داشتن کندز" اطمینان داد، ولی یک روز بعد این شهر به‌دست نیروهای مخالف افتاد و عملاً خدشه بزرگی به اعتماد مردم در مورد دولت جدید وارد شد.

اکنون جنگ در همه اضلاع جغرافیایی کشور جریان دارد و هر روز حادثه‌ی جانکاه در شرق و غرب کشور رخ می‌دهد. یک روز در بغلان مزارع و دکان‌های مردم حریق می‌گردد و روزی دیگر، خانه‌های مردم در ننگرهار ویران می‌شود. بر اساس برخی اطلاعات، طالبان تلاش‌های فراوانی صورت می‌دهند که ولایت هلمند در جنوب را از کنترل نیروهای دولتی بیرون کنند و بخشی از شورای کویته را به این ولایت انتقال دهند. مسلماً اگر طالبان موفق شوند که به این طرح خود جامعه عمل ببوشانند، در وضعیت سیاسی خود نیز قادر به ایجاد تغییرات گسترده خواهند شد. به همین لحاظ، هنوز از نظر استراتژیک، تسخیر کلان‌شهرهای کشور برای گروه طالبان از اهمیت حیاتی برخوردار است. از سوی دیگر، طالبان با راه‌اندازی عملیات‌های انتحاری در مراکز مهم کلان‌شهرهای کشور به‌ویژه پایتخت، قصد درهم‌شکستن اتوریته نظام و روحیه مردم نسبت به حکومت را دارند. حمله چند روز پیش آن‌ها به دانشگاه امریکایی در کابل و کشته و مجروح شدن شماری از مردم و دانشجویان و استادان و مأموران امنیتی، در همین دایره قابل تفسیر و تأویل است. از این‌رو، نمایش تصاویر شهدای ناامنی‌های اخیر

سخن ماندگار

سه کلمه برای حل مشکل دولت وحدت ملی

این روزها، دیدار میان دکتر عبدالله و دکتر غنی افزایش یافته و آقای عبدالله به هواداران‌ش گفته است که دیدارهایش با رئیس‌جمهور غنی به نتیجه خواهد رسید و همچنین وعده نموده که روی همه موارد توافق‌نامه سیاسی با اعضای تیمش مشوره و مسأله را پی‌گیری خواهد کرد. این در حالی‌ست که دکتر غنی بعد از امضای توافق‌نامه سیاسی، صلاحیت‌های دکتر عبدالله و توافق‌نامه سیاسی را رد کرده است. از سوی دیگر، در این شب و روزها وضعیت امنیتی در کشور چندان مناسب نیست و کشمکش‌های سیاسی میان رهبران دولت وحدت ملی نیز به این مشکلات افزوده و در این مورد، رئیس‌جمهوری اولین مقصر شناخته می‌شود.

آقای عبدالله به متحدان سیاسی‌اش گفته است که در هفته جاری، چهار نشست با آقای غنی خواهد داشت تا مواد توافق‌نامه تنظیم و عملی گردد. هرچند او به متحدانش اطمینان داده است که هیچ راهی جز تطبیق توافق‌نامه وجود ندارد، اما هنوز هم معلوم نیست که آقای غنی چه نگاهی به توافق‌نامه سیاسی می‌اندازد و چه ارزشی به اعتراض‌های مردمی آقای عبدالله قایل می‌گردد. آن‌چه مسلم است این‌که: مشکل دولت وحدت ملی در گرو همین توافق‌نامه است؛ اگر این توافق‌نامه به شکل کامل عملی نگردد، منطق وجودی این دولت از بین می‌رود.

تک‌بازی‌ها و تک‌تازی‌ها، زیان‌های سرشاری برای حکومت دارد و در مواردی به سیاست‌مدار حاکم باورهای کاذب می‌بخشد. آقای غنی باید این نکته را بهتر از دیگران درک کند. وقتی به صحبت‌های رئیس‌جمهور گوش می‌دهیم؛ از تقسیم قدرت، از عدالت اجتماعی و سیاسی، و از دولت مسوول بسیار می‌شنویم، اما در صحنه عمل می‌بینیم که اصلاً این ارزش‌ها توسط ایشان رعایت نمی‌گردند. در حالی که با رفتن انتخابات به تقلب و بن‌بست، دولت وحدت ملی به این هدف شکل گرفت که نهادهای انتخاباتی اصلاح، شناسنامه‌های برقی توزیع، انتخابات برگزار و لویه جرگه تشکیل شود و نظام به گونه مثبت تغییر کند. اما نه تنها این کارها نشد، که حتا رئیس‌جمهوری در تعیین یک مأمور پایین‌رتبه نیز دخالت کرد تا احیاناً از جانب دکتر عبدالله مقرر نگردد.

هم‌اکنون دولت وحدت ملی دو سال زمان را ضایع کرده و هیچ گامی برای اصلاحات برداشته است. اکثر دولت‌ها به دلیل نبود راهکار و برنامه سرگردان و ناکام می‌شوند، اما دولت وحدت ملی این مشکل را ندارد. چاره مشکلات دولت موجود در سند تشکیل این دولت (توافق‌نامه دولت وحدت ملی) به‌روشنی تذکر رفته، اما اراده‌ی راسخ برای تمسک به آن وجود ندارد. آن‌چه مردم از دولت وحدت ملی می‌خواهند، فقط سه کلمه است: تطبیق توافق‌نامه سیاسی!

اگر آقای غنی به این امر همت گمارد، دیگر مشکلی پیش روی دولت نیست و برنامه‌ها و وظایف دولت نیز کاملاً واضح و مشخص است. حالا دیده شود که در هفته جاری، آقای عبدالله و غنی به چه نتیجه‌ی می‌رسند.

یقیناً تمکین به کمتر از توافق‌نامه سیاسی، ستودنی نیست. مردم انتظار دارند که این غایب‌ه هرچه زودتر خاتمه یابد و آن‌ها ببینند که آقای غنی به عملی شدن توافق‌نامه سیاسی دل بسته و نسبت به آن تعهد دارد. اما اگر این‌بار گفت‌وگوهای دو رهبر دولت وحدت ملی نتیجه ندهند، بدون شک دولت با وضعیت خاصی مواجه خواهد شد؛ وضعیت حاد و نامطلوبی که در آن هیچ سودی برای هیچ جناحی متصور نیست!

رییس جمهور در دومین کنفرانس شهردارها:

از گدایی خسته شده ام

دومین کنفرانس ملی شهرداران افغانستان دبروز یکشنبه (۷ شهریور/سنبله) با حضور رییس جمهور و شماری از اعضای کابینه، مقام‌های بلند پایه دولتی، نمایندگان مردم در پارلمان و شهرداران از سراسر کشور، در ارگ برگزار گردید.

برگزار کننده‌گان این کنفرانس دو روزه، هدف از راه‌اندازی این نشست را ایجاد حکومت‌داری بهتر، عرضه خدمات شهری بهتر، بلند بردن ظرفیت کاری در شهرداری‌ها و بلند بردن عواید شهرها عنوان کردند. نبود قوانین واضح و روشن در قسمت جمع‌آوری عواید شهرداری‌ها؛ عدم پرداخت محصول صفایی از ملکیت‌ها و جایادهای اشخاص حقیقی و حکمی و نبود قانون در برخورد با متخلفین آن؛ غضب بی‌رویه زمین‌های دولتی؛ تداخل کاری بین سکوت‌های شهری، ساخت‌وساز ساختمان‌های خود سر و عدم همکاری نهادهای امنیتی با شهرداری‌ها در برخورد با متخلفین از جمله مشکلاتی است که نمایندگان شهردارها در این کنفرانس به آن اشاره کرده‌اند.

محمد اشرف غنی، رییس جمهور کشور در این کنفرانس گفت، سیستم ناکام شهری شهروندان را آزار می‌دهد و باید شهردارها به این مسأله توجه داشته باشند.

آقای غنی با اشاره به ناهم‌آهنگی و نبود سامانه منظم شهری، تأکید کرد که قبلاً صلاحیت و مسوولیت‌های شهرداران روشن نبوده، اما حالا باید صلاحیت‌های شهرداران قانونی می‌شود و ما متعهد هستیم که شهرداران را از طریق انتخابات برگزینیم.

به باور رییس جمهور، زنده‌گی شهری زمانی میسر می‌گردد که حکومت برنامه منظم داشته باشد و به صورت واضح فرهنگ زنده‌گی شهری ایجاد گردد تا برای حفاظت از شهر توجه گردد.

عبدالباقی پوپل، معاون شهرداری‌های اداره مستقل ارگان‌های محل در این کنفرانس گفت: شهرداری کابل نهادی است که در چهارده سال گذشته به آن توجهی صورت نگرفته و تنها یک درصد سهم این نهاد حکومتی از بودجه ملی بوده است.

آقای پوپل در ادامه سخنانش افزود: «امروزه شهرداری و شهردار جایگاه خاص پیدا کرده‌اند و شهردار تنها مدیر جمع‌آوری ذبانه‌ها نه، بلکه مالک شهر هستند».

معاون شهرداری‌های اداره مستقل ارگان‌های محل تصریح کرد: در سال گذشته، بیش از ۲۱۸ کیلومتر سرک، چهل باب تعمیر نواحی شهرداری، ۱۴۰ باب تشناب عامه، پانزده باب مسلخ، دوهزار چراغ سولردر سراسر کشور اعمار شده است و اعمار ۲۰۰ کیلومتر سرک دیگر نیز زیر کار است.

تأمین حکومت‌داری خوب شهری، عرضه خدمات با کیفیت و به موقع، مبارزه با فساد اداری و از دیات چشم‌گیر در عواید شهرداری‌ها، بلند بردن ظرفیت کارمندان و تجهیز شهرداری‌ها با تکنولوژی مدرن، اصلاحات در قوانین،



روح‌الله بهزاد

احداث زیربنای شهری و مدیریت خدمات شهری اقدام کرده و توانسته است با همکاری وزارت شهرسازی و اداره مستقل ارگان‌های محل، اداره اراضی و اداره مستقل زون پایتخت دست‌آورهای خوبی داشته باشند.

طرح و تدوین برنامه استراتژیک شهرداری کابل که تا سال ۲۰۳۰ پاسخ‌گوی شهرکابل خواهد بود و دارای چهار رکن اساسی شامل حکومت‌داری خوب شهری، مدیریت خدمات مؤثر شهری، احداث زیربنای پایه‌دار و رشد اقتصاد شهری می‌شود، از برنامه‌های آینده شهرداری کابل است که به گفته سرپرست شهرداری کابل، طی سال‌های آینده روی آن تمرکز خواهند کرد.

آقای حبیب‌زی بیان داشت که از این پس ساختن مجوز ساختمانی از یک مرجع و حتا به صورت آنلاین امکان پذیر است و مدیریت پروژه‌های شهرداری کابل نیز به صورت هوش‌مند آغاز گردیده است. سرپرست شهرداری کابل اضافه کرد: «بیش از ۳۰ کیلومتر جاده، پانزده کیلومتر کانال‌ها و احداث پارک‌ها در شهر کابل آغاز گردیده است. در قسمت جمع‌آوری عواید دروازه‌های کابل در یک ماه گذشته ۷ درصد افزایش داشته‌ایم که در کل تا هفت سال آینده کابل به یک شهر خودکفا تبدیل می‌شود».

به گفته آقای حبیب‌زی: در هفته‌های گذشته شماری از زمین‌های غضب شده از سوی زورمندان را دوباره به دولت بازگشتاند و بیش از پنجاه ساختمان غیرقانونی را یا تخریب و یا پرورده آن را متوقف ساخته‌اند و بیش از ۱۴۰ مأمور مفسد را به دادستانی معرفی و زندانی کرده‌اند.

در حین حال، خان‌جان الکوزی نماینده سکوت خصوصی و اتاق‌های تجارت و صنایع در این کنفرانس

پالیسی‌های شهری، مقرردها، نواحی، طرز العمل‌ها و ساده‌سازی پروسه‌های که جواب‌گوی نیازمندی‌های مردم باشد، از مواردی است که به گفته آقای پوپل در سال‌های آینده به آن توجه جدی خواهند کرد.

در سویی دیگر، سید سادات منصور نادی وزیر شهرسازی و مسکن بیان اظهار داشت: وزارت شهرسازی برای ایجاد سهولت برایش شهروندان محو فساد در ولایات، صلاحیت‌های کاری ریاست‌های شهرسازی ولایت‌های پهرات، قندهار، بلخ و ننگرهار را افزایش داده است.

آقای نادی به شهرداری‌های ولایات کشور تعهد سپرد که در چارچوب صلاحیت‌های خود با آن‌ها همیشه همکاری خواهد بود و از آنان خواست تا در جهت تطبیق ماستر پلان‌ها، حفظ مکان‌های تاریخی و ساحات سبز و برنامه‌گذاری ساحات جدید، با این وزارت همکاری باشند. وزیر شهرسازی اذعان داشت: «این وزارت‌تحریحی را تحت نام «شهر سالم» ترتیب داده‌اند و در صورتی که این طرح از سوی ریاست جمهوری مورد تأیید قرار گیرد، شهرداری‌هایی که بتوانند طی یک سال شهرهای خود را با معیارهای تعیین شده مدیریت کنند، شهرشان جواز شهر سالم را دریافت کرده و شخص شهردار به عنوان شهردار نمونه شناخته خواهند شد».

همزمان با این، عبدالله حبیب‌زی سرپرست شهرداری کابل در دومین نشست شهرداران افغانستان گفت: حکومت وحدت ملی برای نخستین بار در تاریخ کشور دارای دیدگاه واضح و برنامه‌های مؤثر در قسمت شهرداری است که مطابق به تجارب کشورهای انکشاف یافته و روبه انکشاف است.

به گفته آقای حبیب‌زی: شهرداری کابل در راستای

این اداره خط بطلان کشید. مبارزه سلیقه‌بی با فاسدان و زورمندان پیش از پیش ناکام خواهد شد. بر هیچ کسی پذیرفتنی نیست که رییس جمهوری از جرم مشهود و آشکار رییس شورای ولایتی یک ولایت، چشم پوشد و دستور دادستان کل خویش را ملغا کرده و نادیده بگیرد. این کار آقای غنی نشان می‌دهد که شعارهای او میان‌تهی و فاقد اعتبار است. رییس جمهوری باید پاسدار قوانین نافذ کشور باشد؛ نه ناقص و تخطی‌کننده قوانین. در موارد زیادی دیده شده که آقای غنی برخلاف آنچه گفته، عمل کرده است.

اگر رییس جمهوری اراده کمی هم در مبارزه با فساد داشته باشد، باید کامران علیزایی راهی دادگاه شود و درباره عملکرد زورگویانه و قانون‌ستیزانه خویش پاسخ بدهد. بر آقای علیزایی در اداره شورای ولایتی هرات هم اتهاماتی وجود دارد.

چرا غنی از علیزایی حمایت کرد؟

برخورد تیمی و سیاسی داشته است. اقدام آقای غنی درباره کامران علیزایی رییس شورای ولایتی هرات نمونه این مدعاست. دادستان کل کامران علیزایی را به خاطر حمایت از یک مفسد و تجاوز به حریم این دادستانی هرات «ممنوع‌الخروج» کرده و وظیفه‌اش را به حالت تعلیق در آورد. اما آقای غنی با زیرپا گذاشتن قانون و دستور دادستان کل، از آقای علیزایی حمایت کرد و او را دوباره به کار برگشتاند.

این درحالی است که آقای غنی اخیراً اداره عالی مبارزه با فساد را ایجاد کرده است. اداره‌ی که مسوول بررسی پرونده‌های فساد اداری مقامات بلند پایه دولتی است. او با حمایت از علیزایی در همین آغاز روی کار



صادق نیست. تجربه دوساله نشان داده است که او با پدیده فساد و حکومت‌داری،



رییس جمهوری برخلاف آنچه شعار می‌دهد، در مبارزه با فساد و زورمندان

بخش دوم و بیانی

بخش دوم

سلفیت از دیروز تا امروز



محمد محق

آنچه در عمل اتفاق افتاد این بود که مسلمانان در زنده‌گی روزمره خود نیازمند قوانین و مقرراتی بودند که به نظم و نسق امور اجتماعی شان کمک برساند و روش اهل حدیث در این عرصه نمی‌توانست راهگشا باشد. فقها توانستند با تدوین فقهی احکام، عملاً نوعی از قانون‌گذاری را سامان ببخشند و زنده‌گی مردم را با فقه و شریعت پیوند دهند. به مرور، فقه‌های اهل رأی در مرکز رهبری دینی مسلمانان قرار گرفتند و اهل حدیث به حاشیه رفتند. حتا مذهب حنبلی که صورت فقهی یافته مکتب اهل حدیث بود، گذشته از آن‌که به لحاظ شمار کمترین پیروان را در میان اهل سنت از آن خود کرد، شماری از چهره‌های علمی آن خود تحت تأثیر اشاعره و ماتریدیه، وارثان اهل رأی در عرصه کلام، قرار گرفتند؛ مانند ابن الجوزی و ابوالوفاء ابن عقیل. حتا کسی مانند امام ابن حزم، برجسته‌ترین چهره علمی ظاهرگرایان، علی‌رغم مخالفت با قیاس فقهی، در رویکرد کلی خود به مکتب اشاعره گرایش داشت.

اخباری شناخته گردید و نام یافت.

تسویزه‌سازی سلفیت

با حمایت عباسیان، سلجوقیان و دیگر دستگاه‌های حکومتی از فقه‌های اهل رأی، با دو گرایش اشعری و ماتریدی، اهل حدیث به مثابه یک مکتب، حضور کم‌رنگ خود را در جوامع مسلمان تنها در قالب تلاش‌های تخصصی عالمان علم حدیث و شماری از حنابله تداوم می‌بخشید، و جایگاهی فراتر از این نداشت تا آن‌که ابن تیمیه، دانشمندی نابغه، در نیمه دوم قرن هفتم هجری پا به عرصه نهاد. او توانست با تربیت شاگردانی مانند ابن القیم، ابن کثیر، حافظ ذهبی، حافظ بزار، ابن دقیق العید، ابن مفلح، ابن عبدالهادی و دیگران، و همچنین با نگارش کتاب‌ها و رسایل متعدد، روح تازه‌یی به مکتب اهل حدیث بدهد.

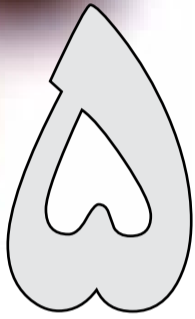
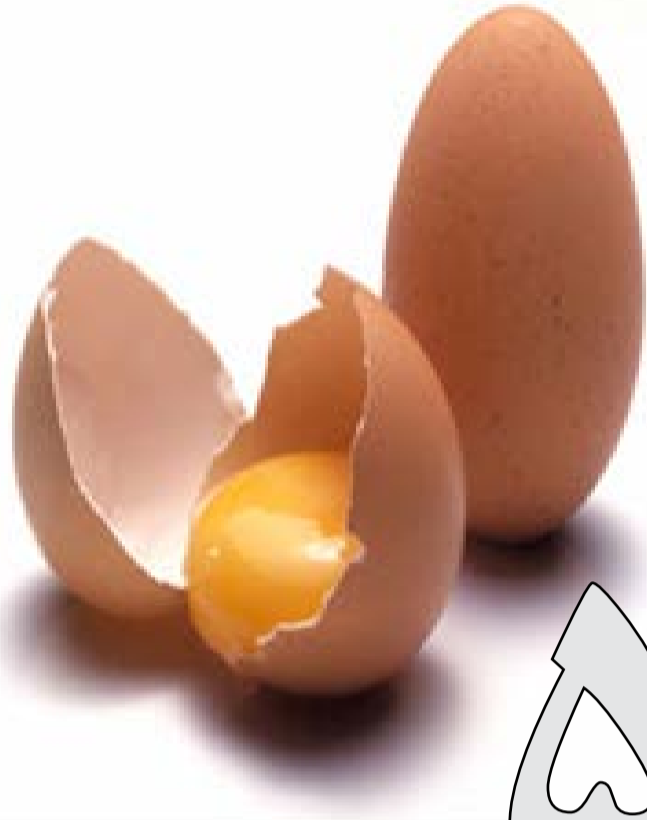
این تیمیه موفق گردید که بخش اعظم میراث علمی گذشته‌گان را از نظر بگذراند و میان آن‌چه با گرایش اهل حدیث همخوانی داشته و آن‌چه با آن ناسازگار بوده است، به‌صورتی دقیق خط‌کشی نماید. وی همچنان با حماسه و جدیت، به ترویج و تبلیغ مکتب اهل حدیث روی آورد و آن را به عنوان بهترین روش برای فهم دین معرفی کرد. او کوشید اعتبار مکتب اهل حدیث را تقویت کند و آن راه و روش را به مثابه راه و روش سلف/گذشتگان امت اسلامی عرضه بدارد. وی در این راه برش‌های فراوانی از تاریخ صدر اسلام و نسل‌های اول مسلمانان را برگزید تا تبار تاریخی و فکری اهل حدیث را معرفی کند. همو بود که اهمیت سلف را، به مثابه بالاترین و معتمدترین مرجع فهم

دین، برجسته ساخت و مشروعیت مکتب اهل حدیث را به انتساب به آن متکی نمود. با آن‌که تلاش ابن تیمیه به لحاظ نظری تلاشی عظیم بود و به احیای مکتب اهل حدیث کمک شایانی کرد، زیرا برای نخستین بار آن را به‌صورت مدون و منظم بسته‌بندی و عرضه نمود، اما عملاً به پیدایش جنبش یا جریان نینجامید که حضور سیاسی یا اجتماعی داشته باشد. نظرات و آثار ابن تیمیه و شاگردانش تا چند سده بعد نیز از شهرت و رواج کافی برخوردار نبود و چیزی به‌نام سلفیت به عنوان یک جریان در میان مسلمانان شناخته نمی‌شد.

این بار محمد بن عبدالوهاب بود که در قرن دوازدهم هجری، در روزگار ضعف خلافت عثمانی و آشفتگی اوضاع در حجاز، جنبشی را به‌راه انداخت که مایه‌های فکری‌اش را اندیشه‌های اهل حدیث تشکیل می‌داد. او اگر چه خود به نگارش کتاب‌ها و رسایلی دست زد، اما اهمیت او نه به لحاظ علمی، بلکه به لحاظ ایجاد و رهبری جنبشی است که برای اولین بار بر پایه مکتب اهل حدیث بنیان نهاده شد و تا امروز نیز به همین هویت شناخته می‌شود. او از نظر جایگاه علمی به پیشوایش ابن تیمیه و شاگرد ارشدش ابن القیم نمی‌رسد، و کار نظری وی بیشتر تکرار همان افکار به صورتی دیگر است.

شاید بشود اهمیت این رویداد تاریخی برای زنده کردن مکتب اهل حدیث را با اهمیت رسمیت یافتن مذهب تشیع از سوی شاهان صفوی مقایسه کرد. تشیع امامی نیز پیش از آن، مانند مکتب اهل حدیث، توفیق نیافته بود که حکومت شیعی خالصی تأسیس نماید و به‌صورت مقتدرانه دوام ببخشد. پیش از آن، این هر دو جریان، از نظر سیاسی و اجتماعی در حاشیه قرار داشتند و جریان مسلط در تمام جهان اسلام، تنها قرائت فقیهانه اشاعره - ماتریدیه بود، از هند و آسیای میانه گرفته تا عراق و آسیای صغیر، شمال آفریقا و حتا اسپانیا.

اشعری و ماتریدی دو شاخه کلامی هستند که تفاوت اندکی از هم دارند، و در حقیقت تداوم تاریخی مکتب اهل رأی تلقی می‌شوند. پیش از این تحول، حوزه ترک‌زبان، فارسی‌زبان و هندی عمدتاً در فقه پیرو مذهب حنفی و در کلام به مکتب ماتریدی تعلق داشتند. مناطقی مثل شام و مصر عمدتاً در فقه پیرو مذهب شافعی و در کلام دنباله‌رو مکتب اشعری بودند، و مناطقی مانند شمال آفریقا و اسپانیا در فقه مالکی و در کلام اشعری بودند. یعنی اگر دوره فاطمیان در مصر را که اسماعیلی بودند و چند مورد مختصر دیگر را استثنا کنیم، مکتب اهل رأی برای چند سده اقتدار سیاسی و اجتماعی را در سراسر جهان اسلام در دست داشت و بخشی عمده از تمدن اسلامی در همین دوره پدید آمده است.



دلیل خوب

برای مصرف تخم مرغ

تخم مرغ سرشار از مواد معدنی ضروری است

تخم مرغ سرشار از آهن، روی و فسفر است که بدن به آن‌ها نیاز فراوانی دارد. خانم‌ها بعد از عادت ماهیانه، این مواد معدنی را از دست می‌دهند و باید آن را جبران کنند، در غیر این صورت کمبود این مواد باعث ایجاد احساس خستگی در آن‌ها شده و زودرنج و پرخاشگر می‌شوند.

محققان دانشگاه Caroline du Nord فرانسه مشاهده کردند که یکی از ترکیبات زرده تخم مرغ به نام کولین choline احتمال ابتلا به سرطان سینه را به میزان ۲۴ درصد کاهش می‌دهد.

روی یا همان زینک، یکی از عناصر ضروری است که سلامت سیستم ایمنی بدن را تضمین می‌کند و باعث می‌شود بدن مواد غذایی مصرفی را به انرژی تبدیل کند. فسفر یک نقش کلیدی در تأمین سلامت استخوان‌ها و دندان‌ها ایفا می‌کند.

علاوه بر این، تخم مرغ حاوی یُد نیز هست که برای هورمون‌های تیروئید حیاتی محسوب می‌شود و سلنیوم موجود در آن، آنتی‌اکسیدانی است که در مقابله با سرطان موثر عمل می‌کند.

تخم مرغ کالری کم و پروتئین خوبی دارد

یک عدد تخم مرغ متوسط ۷۰ تا ۸۵ کالری و ۶٫۵ گرم پروتئین دارد. سه عدد تخم مرغ (۲۱۰ تا ۲۲۵ کالری) حاوی ۱۹٫۵ گرم پروتئین است. زنان به طور متوسط روزانه به ۵۰ گرم پروتئین نیاز دارند. یعنی این‌که ۳ عدد تخم مرغ نیمی از نیازهای روزانه آن‌ها را تأمین می‌کند. البته توجه داشته باشید که نیاز به پروتئین در افراد مختلف با توجه به وزن و میزان فعالیت‌های روزانه آن‌ها متفاوت است و لازم نیست همه نیازهای یک فرد به پروتئین فقط با یک ماده غذایی تأمین شود.

۳ عدد تخم مرغ به همراه نان کافی‌ست تا چندین ساعت احساس سیری کرده و نیازی به خوردن غذا احساس نکنید.

تخم مرغ با سرطان سینه مقابله می‌کند

نتایج پژوهشی که در سال ۲۰۰۳ در دانشگاه هاروارد انگلیس انجام شد، نشان می‌دهد نوجوانانی که روزانه ۳ عدد تخم مرغ مصرف می‌کنند، در سنین بزرگسالی کمتر به سرطان سینه مبتلا می‌شوند. در سال ۲۰۰۵ پژوهش‌های دیگری انجام شد و محققان ثابت کردند زنانی که در هفته ۶ عدد تخم مرغ می‌خورند، ۴۴ درصد کمتر از زنانی که در هفته ۲ عدد یا کمتر تخم مرغ می‌خورند، به سرطان سینه مبتلا می‌شوند.

در اپریل سال ۲۰۰۸، محققان دانشگاه Caroline du Nord فرانسه مشاهده کردند که یکی از ترکیبات زرده تخم مرغ به نام کولین choline احتمال ابتلا به سرطان سینه را به میزان ۲۴ درصد کاهش می‌دهد.

مصرف دو عدد تخم مرغ برای صبحانه، نصف نیاز روزانه بدن به این ماده را تأمین می‌کند.



بنیادها و زمینه‌های سکولاریسم

عبدالباقی فکرت بخش، استاد دانشگاه کابل
بخش نهم و پایانی



عقل خودبنیاد که نوشونده‌گی و نقّادی از مهم‌ترین ویژه‌گی‌های آن است، با مقدس‌انگاری و نقدناپذیری ناسازگار می‌نماید. جنبه‌های مقدس دین که غیرقابل نقد انگاشته می‌شود، کنار رفت تاراه بر روی گسترش عقلانیت هموارتر شود و خرد نقّاد مانعی در برابر تک‌تازی‌های خودش مشاهده نکند.

عقل که در سده‌های میانه زیر بار دین درآمده بود و فرصتی برای رهایی نداشت، اکنون با شکل‌گیری شرایط جدید و دگرگونی‌های ذهنی و عینی به خودبنیادی رسیده بود و فراتر از آن، ندای تمامیت‌خواهی سر می‌داد. عقلانیت سعی می‌کرد تا سیطره‌اش را بر تمامی شؤون زنده‌گی انسان توسعه دهد و به هیچ نیرویی جز خودش خط بنده‌گی ننویسد. این وضع ادامه داشت تا آن‌که ضعف‌ها و ناتوانی‌های عقل آشکار شد و کشف ضمیر ناخودآگاه فروید و آگاهی طبقاتی مارکس، عقل خودبنیاد را به خوداندیشی و خودنقّادی وادار کرد.

مسیحیت را زیر سوال قرار داد و زمینه‌های علمی کنار رفتن مسیحیت از زنده‌گی انسان غربی فراهم‌تر شد.

۵. اصطلاح سکولار اولین‌بار توسط کلیسای کاتولیک به‌کار گرفته شد و آنان با جدایی‌افکندن میان دنیا و آخرت، امور این‌جهانی را دنیوی می‌پنداشتند، درحالی‌که امور آن‌جهانی که ناظر بر بُعد روحانی انسان بود و تعالی روحی و معنوی او را تضمین می‌کرد، اخروی دانسته می‌شد. در اروپای قرون وسطا معمولاً واژه لاتین Saecularis برای توصیف «زمانه حاضر» به کار می‌رفت، اما در عمل به روحانیونی هم که سوگند رهبانیت یاد نکرده بودند، سکولار گفته می‌شد.

۶. تفکیک آگوستینی میان شهر خدا و شهر زمین، تنش‌های خونین مذهبی و اثبات‌ناپذیری مدعیات فرقه‌یی و نیز عدم وثاقت تاریخی کتاب‌های مقدس را می‌توان رگه‌ها و زمینه‌های روشن سکولاریسم به حساب آورد.

۷. سکولاریسم را بر اساس معیارهای مختلفی دسته‌بندی کرده‌اند. در یکی از این رده‌بندی‌ها که ناظر بر دایره شمول سکولاریسم است، سکولاریسم به دو دسته «معتدل» و «ستیزه‌جو» تقسیم می‌شود. سکولاریسم به لحاظ معرفت‌شناختی معتقد به قلمروی برای معرفت، ارزش‌ها و کنش‌هاست که از مرجعیت دین مستقل باشد. اما لزوماً به نفی نقش دین در امور سیاسی و اجتماعی قایل نیست. اما سکولاریسم ستیزه‌جو، تمامیت‌خواه است و قلمروی برای دین جز در محدوده یک رابطه شخصی با خدا نمی‌شناسد. در تقسیم دیگری، سکولاریسم را به پنج دسته تقسیم کرده‌اند. سکولاریسم در این دسته‌بندی به سکولاریسم کلامی، سکولاریسم فلسفی، سکولاریسم سیاسی، سکولاریسم اجتماعی و سکولاریسم معیشت‌اندیش تقسیم کرده‌اند.

۸. اومانیزم را یکی از زمینه‌هایی گفته‌اند که نقش بسیاری در ظهور سکولاریسم داشته است. محور شدن انسان که در سده هفدهم با گزاره «می‌اندیشم پس هستم» دکارت چارچوب نظری و فلسفی پیدا کرد، باعث شد تا هر چه ماسوای انسان با انسان محک زده شود و انسان نیز چونان سوژه شناسنده در محراق توجه قرار گیرد. از این منظر، حتا دین و ارزش‌های دینی نیز با محک انسان سنجیده می‌شد و در صورت معقول نبودن از متن به حاشیه می‌رفت. انسان - بنا بر تفکر اومانیزستی - نباید در حل معضلات و دشواری‌هایی که با آن مواجه است، دست به دامان دین و خداوند بزند، بلکه بایست بر خود تکیه کند و آقایی‌اش را در حل معضلات انسانی به وضوح نشان دهد.

۹. علم‌گرایی باعث شد تبیین‌های دینی و متافیزیکی حوادث زدوده شود و این جریان به ماده‌باوری و خودبسنده‌گی جهان ره برد. رشد فزاینده علوم تجربی، برخی آموزه‌های دینی مسیحیت را نادرست ثابت کرد و این «نادرستی» به تقاطع بیشتر علم و دین انجامید. نه علم حاضر بود از نتایجی که با روش تجربی به‌دست آورده بود عقب‌نشینی کند، و نه کلیسا اعتقادی به تحدید قلمرو دین داشت. علم به‌صورتی ناخواسته در رویارویی با کلیسا قرار گرفته بود و کلیسا نیز در سرکوب علم از هیچ گزینه‌یی فروگذار نکرد. برخورد سرکوب‌گرانه کلیسا باعث شد تا مردم با دانشمندان همدردی بیشتر پیدا کنند و دست‌آوردهای روزافزون علمی نیز بر تثبیت جایگاه آنان می‌افزود. این در حالی بود که هر دست‌آورد علمی از میزان اقتدار و سلطه کلیسا می‌کاست و ظاهراً یک اقتدار را به چالش می‌کشید. این‌گونه بود که علم در رویارویی با دین به پیروزی رسید و یکی دیگر از زمینه‌های شکل‌گیری

خلاصه و نتیجه‌گیری

مباحث فوق را می‌توان چنین مختصر کرد:

- هیچ حادثه‌یی را نمی‌توان بریده از حوادث پیشینی تاریخی در نظر آورد. با این بیان، سکولاریسم نیز رگه‌های تاریخی‌یی دارد که تا سده‌های میانه و عصر باستان قابل ردیابی است. سده‌های میانه را عصر تاریک تاریخ غرب گفته‌اند. در این دوره که از قرن پنجم تا قرن پانزدهم میلادی را احتوا می‌کند، همه چیز تحت سیطره دین مسیحی و تفسیر کلیسا از این دین قرار داشت و این دوره تقریباً هزارساله را حدفاصلی میان عصر باستان و عصر جدید به‌شمار آورده‌اند. اصطلاح قرون میانه امروزه علاوه بر اطلاق آن به یک دوره خاص تاریخی، به طرز دید مشخصی به‌کار می‌رود که توأم با تحجّر و قرائت‌های سخت‌جان دینی باشد. در گفت‌وگوهای روزمره، اندیشه‌های سخت‌گیرانه و خشونت‌بار دینی را قرون وسطایی می‌خوانند. با آغاز سده‌های میانه بود که تمامی نهادهای آموزشی، فرهنگی، هنری، ادبی، علمی و فلسفی زیر حاکمیت کلیسا درآمدند و این وضع تا قرن پانزدهم میلادی ادامه یافت.
- اندیشه‌ها و مکاتب جدید فکری را می‌توان در مواقعی به عنوان واکنش در برابر اندیشه و اوضاع مسلط سده‌های میانه به حساب می‌آورد. انسان‌محوری رنسانس در برابر خداحوری قرون وسطا قرار می‌گیرد و این دو، تنز و انتی‌تری‌اند که یکی پی دیگری در درازنای تاریخ شکل گرفته‌اند. مفاهیم عمده و ارزش‌های پرشکوهی که در قرون جدید و معاصر اطراف ما را پر کرده‌اند، به نحوی ریشه در عصر باستان دارند و عمدتاً در واکنش به قرون میانه شکل گرفته‌اند.
- اسم‌گراها یا اصحاب اصالت تسمیه با انکار مفاهیم کلی، پایه‌های فلسفی الهیات مسیحی را نشانه گرفتند. کپرنیک، کپلر، نیوتن و انشتین که از پیش‌قروان علم جدید به حساب می‌آیند، فلسفه طبیعی ارسطو و دیدگاه‌های کیهان‌شناختی بطلیموس را که مورد قبول کلیسا بود، برهم زدند و الهیات مسیحی در پایه‌های کیهان‌شناختی خویش نیز با شکست روبه‌رو شد و آرام آرام زمینه‌های خودبنیادی عقل و اعتماد به دست‌آوردهای علمی فراهم‌تر شد.
- مواجهه علم و کلیسا نشانیان سبب انشعاب درونی مسیحیت شد و جریان دین‌پرایی (رفورماسیون) با مارتین لوتر و کالون آغاز و دوام پیدا کرد. لوتر توبه را امر درونی خواند و با تکیه بر خودمرجعیت دینی، یکی از فراگیرترین فرقه‌های مسیحی را پایه‌گذاری کرد. پژوهش‌های پس از قرن هجدهم، وثاقت تاریخی

مسیحیت از پاسخ‌گویی به ایجابات عصر جدید و ناهمگامی با سیر تکامل بشری را می‌توان عوامل دیگر ظهور سکولاریسم در نظر آورد که در اسلام یا وجود نداشته است، و یا هم به‌ندرت به چشم می‌خورد.

فهرست منابع

قرآن کریم

- ارنست کاسیرر: فلسفه روشنگری، ترجمه: عبدالله موقن
- آستین کلاین: سکولاریسم به زبان ساده، ترجمه: امیرغلامی
- بابک احمدی: ۱۳۸۹هـ کتاب تردید، چاپ هشتم (ایران: تهران- نشر مرکز)
- پترسون و دیگران: ۱۳۷۹م، عقل و اعتقاد دینی، ترجمه: احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، چاپ سوم (ایران: تهران- طرح نو)
- حسن یوسفیان: ۱۳۸۹، کلام جدید، چاپ دوم (ایران: تهران- سمت)
- عبدالکریم سروش: کبان، ش ۲۶
- کاپلستون: ۱۳۸۹هـ ش، تاریخ فلسفه، ترجمه: غلام‌رضا اعوانی، ج ۴، چاپ سوم (ایران: تهران- سروش)
- کمال پولادی: ۱۳۸۶هـ ش، تاریخ اندیشه سیاسی در غرب، ج ۲، چاپ چهارم (ایران: تهران- نشر مرکز)
- گوستاویوبون، تمدن اسلام و عرب، ترجمه: سید هاشم هریسی
- محمد علی فروغی: ۱۳۸۸هـ ش، سیر حکمت در اروپا، چاپ پنجم (ایران: تهران- انتشارات زوار)
- ملیحه صابری نجف‌آبادی: ۱۳۸۹هـ ش، تاریخ فلسفه به زبان ساده، چاپ اول (ایران: تهران- سمت)
- منوچهر صالحی: ۱۳۸۳، عوامل تاریخی پیدایش سکولاریسم.

سکولاریسم تولد شد.

۱۰. عقل که در سده‌های میانه زیر بار دین درآمده بود و فرصتی برای رهایی نداشت، با شکل‌گیری شرایط جدید و دگرگونی‌های ذهنی و عینی به خودبنیادی رسیده بود و فراتر از آن، ندای تمامیت‌خواهی سر می‌داد. عقلانیت سعی می‌کرد تا سیطره‌اش را بر تمامی شؤون زنده‌گی انسان توسعه دهد و به هیچ نیرویی جز خودش خط بنده‌گی ننویسد. عقل مدعی بود که فارغ از دین می‌تواند مصالح و مفاسد انسان را تشخیص دهد و تکیه‌گاهی جز بر خودش نمی‌شناخت.

سکولاریسم با چنین مبانی‌یی ممکن است در جهان مسیحیت که سقف آن بر پایه‌های رویارویی عقل و دین، جسم و روح، مادی و معنوی و دنیا و آخرت برافراشته شده است، توجیه معقولی داشته باشد، اما کاربست آن در اسلام که ارج و اهمیت فراوانی به عقل قایل است و بر دوگانه‌گی دنیا و آخرت، جسم و روح نیز تکیه ندارد، ناموجه است. اسلام نه با اومانیزم سر‌مخاصمت دارد و نه هم عقل و علم را مردود می‌شمارد؛ بلکه برعکس بیش از هر دین دیگری به علم و آموختن توجه می‌دهد. قرآن کریم مشحون از آیه‌هایی است که انسان را به ژرف‌نگری در پدیده‌ها فرامی‌خواند و تدبّر و تعقل را از فریضه‌های دینی به حساب می‌آورد. گذشته از این، مبانی فکری و زمینه‌های اجتماعی‌یی که برای سکولاریسم برشمرده‌اند، ویژه غرب است و تعمیم آن به سرزمین‌های دیگری که تجربه تاریخی متفاوتی داشته‌اند، با پرسش‌های بسیاری همراه است. گذشته از آن، اثبات معقولیت مبانی و زمینه‌های تاریخی ظهور سکولاریسم، نیاز به واکاوی و پژوهش بیشتری دارد که پرداختن به آن فرصت دیگری می‌طلبد.

بنابراین، رفتن از مسیری که غرب از آن عبور کرده است، توجیه معقول چندانی ندارد. سکولاریسم پیشینه تاریخی‌یی دارد که گسسته از آن نمی‌توان به حقیقت آن پی برد. افزون بر آن، زمینه‌های معرفت‌شناختی و جامعه‌شناختی غرب نیز در ظهور سکولاریسم نقش تعیین‌کننده‌یی داشته است. استبداد دینی و ناتوانی



کشته شدن شش جنرال پاکستانی طالبان در سرپل



جنرالان پاکستانی در حالی در صفوف طالبان می‌رزمند که یک و نیم دهه پیش نیز در تباری با عوامل شان بر ضد جبهه مقاومت افغانستان می‌رزمیدند. برخی از جنرالان پاکستانی در آن زمان نیز رهبری جنگ را بر عهده داشتند.

سانچارک، بلخاب و ساحات گذر، توپخانه، مسجد سبز، گوجیاکه و ده مرده ولسوالی سانچارک از وجود دشمنان تصفیه و تلاشی گردیده است. ولسوالی سانچارک ولایت سرپل از چندی به این سو تحت حملات شدید گروه طالبان و نیروهای امنیتی قرار داشت.

وزارت دفاع افزوده است که علاوه بر کشته شدن ۶ جنرال پاکستانی، افراد مشهور دیگر طالبان به نام‌های مولوی بصیر احمد مسوول مالی و اداری طالبان در ولایت سرپل، مولوی ذبیح‌الله و مولوی جابر از فرماندهان ارشد طالبان در این ولایت، کشته شده‌اند. بر اساس گزارش وزارت دفاع، در این عملیات ۳ پایگاه مهم گروه طالبان نیز تخریب گردیده که ده‌ها عراداه و سایر نقلیه آن‌ها منهدم شده‌اند. وزارت دفاع کشور گفته است که در نتیجه عملیات تصفیوی «نوید ۱۵»، مسیر شاهراه ولسوالی‌های

در نتیجه عملیات نیروهای امنیتی در ولسوالی سانچارک ولایت سرپل، ۶ جنرال طالبان که تبعه پاکستان هستند، کشته شدند. در خبرنامه‌یی که دفتر مطبوعاتی وزارت دفاع، عصر روز یکشنبه ۷ سنبله، منتشر کرده آمده است، در عملیات تصفیوی که تحت نام «نوید ۱۵» در ولسوالی سانچارک ولایت سرپل به راه انداخته شده بود، ۱۲۹ جنگ‌جوی طالب کشته و زخمی شدند. در خبرنامه آمده است که ۶ تن از کشته‌شده‌گان جنرالان پاکستانی طالبان هستند.

نتیجه تازه یک نظرسنجی:

دولت فیسبوک را محدود می‌کند



ابوبکر صدیق

شبکه اجتماعی "فیس بوک" از محدودیت در این شبکه شکایت دارند. نظر سنجی "نی" نشان می‌دهد که از مجموع شرکت کنندگان ۸۸ درصد آنان گفته‌اند که با وجود سرعت بالای اینترنت در افغانستان، دچار محدودیت در استفاده از فیس بوک شده‌اند. ۵ درصد گفته‌اند که استفاده از فیس بوک اندکی بدتر شده است. ۷ درصد اشتراک کنندگان این نظرسنجی گفته‌اند که تغییری در استفاده از فیسبوک نیامده است. آقای توحیدی تصریح کرد که هیچ مصاحبه شونده نگفته است که استفاده از فیسبوک بهتر شده است؛ به باور تعدادی از اشتراک کنندگان این نظر سنجی، محدودیت وضع شده، سیستماتیک و از جانب حکومت می‌باشد. آقای توحیدی تأکید کرد که دفتر نی از حکومت افغانستان، به صورت ویژه از نهاد اداره امور ریاست جمهوری و وزارتخانه‌های اطلاعات و فرهنگ و مخابرات می‌خواهد تا در این زمینه به صورت رسمی پاسخ دهند. به باور آقا توحیدی، هر نوع محدودیت در رسانه‌ها از جانب حکومت نقض کننده ماده‌های ۳۴ و ۵۰ قانون اساسی افغانستان است.

صدیق الله توحیدی مسوول دیدبان رسانه‌ها (نی) در یک نشست خبری دیروز یکشنبه (۷ سنبله) به رسانه‌ها گفت: شبکه‌های اجتماعی به ویژه فیسبوک بیشترین کاربر را در بین مردم افغانستان دارد و هر روز بر تعداد کاربران آن افزوده می‌شود. در صورت وضع محدودیت از طرف حکومت برای استفاده از این شبکه، حق دسترسی به اطلاعات تعداد زیادی از شهروندان نقض خواهد شد. آقای توحیدی افزود: به باور شماری از اشتراک کنندگان در این نظر سنجی، محدودیت وضع شده، سامان‌مند و از جانب حکومت صورت می‌گیرد. با وجود سرعت بالای اینترنت در افغانستان، شبکه اجتماعی فیسبوک با محدودیت سیستماتیک مواجه شده است. به گفته آقای توحیدی، دفتر نی حمایت کننده رسانه‌های آزاد افغانستان در یک نظر سنجی؛ دریافته است که کاربران

بر بنیاد یک نظر سنجی تازه که از طرف دفتر نی انجام شده است، ۸۸ درصد اشتراک‌کننده‌گان از محدود شدن سامان‌مند فیسبوک در افغانستان شکایت دارند. دفتر نی یا حمایت کننده رسانه‌های آزاد در افغانستان در یک نظر سنجی تازه دریافته است که کاربران شبکه اجتماعی فیسبوک در افغانستان از محدودیت در این شبکه شکایت دارند. این نظرسنجی نشان می‌دهد که از مجموع شرکت کنندگان در نظر سنجی ۸۸ درصد آنان گفته‌اند که با وجود سرعت بالای اینترنت در افغانستان، دچار محدودیت در استفاده از شبکه‌های اجتماعی به ویژه فیسبوک شده‌اند. دفتر نی از حکومت افغانستان به صورت ویژه از اداره امور ریاست جمهوری، وزارت اطلاعات و فرهنگ و مخابرات می‌خواهد تا در این مورد به صورت رسمی پاسخ دهند.

نظری:

یوشمیر گوندونو د بنخو سیاسی مشارکت پام کی نه‌دی نیولی



د افغانستان د بنخو چارو وزیر په یو شمېر سیاسي سازمانونو او گوندونو انتقاد کوي چې د بنخو پیاوړتیا او پرمختګ لپاره واضح پروگرامونه نلري. دلبر نظري دا خبرې د یکشنبې په ورځ د بنخو د سیاسي مشارکت په اړه یو جوړ شوي درې ورځني کنفرانس ته وکړې. مېرمن نظري همدارنگه له سیاسي سازمانونو او گوندونو وغوښتل چې بنخو ته عملي پروگرامونه په پام کې ونیسي. اغلې نظري زیاته کړه: "یو شمېر گوندونه او سیاسي سازمانونه لا هم نه‌دي توانېدلي چې د بنخو پرمختګ لپاره واضح او روښانه پروگرامونه ولري، هیله مند یو چې دغه ډول سازمانونه او سیاسي گوندونه په خپلو کړن‌لارو کې بنخو ته پاملرنه وکړي." مېرمن نظري همدارنگه وویل چې په‌دې درې ورځني کنفرانس کې د بنخو د سیاسي مشارکت په برخه کې بېلابېلي ستونزې څېړل کېږي او ورته به حل لارې ولټول شي. امنیتي ستونزې، ناوړه دودونه، نیایتي رایه او له خپلو سیاسي او مدني حقونو ناخبري د بنخو د سیاسي مشارکت په وړاندې مهم خنډونه یادوي. د افغانستان د بنخو چارو وزارت وايي، سره له‌دې چې د تېرو کلونو په پرتله د بنخو وضعیت بدل شوی خو په وینا یې لا هم یو شمېر خنډونه شته چې باید ورته جدي پاملرنه وشي. بل‌خوا د افغان بنخو د شبکې مشر حسینه ساپی هم په سیاسي گوندونو کې د بنخو سیاسي مشارکت اړین بولي. خو د مېرمن ساپی په وینا دا ونډه باید سمبولیکه نه وي. اغلې ساپی وايي: "زما په نظر کومه ونډه چې بنخو ته په سیاسي سازمانونو کې ورکول کېږي باید یوازې سمبولیکه بڼه ونه‌لري. د بنخو اساسي گډون په سیاسي احزابو کې د رایې ورکولو نه شروع کېږي." د افغان مېرمنو شبکه همدارنگه وايي، په حکومت کې د بنخو سیاسي مشارکت لا هم کم‌رنگه دی او حکومت باید په‌دې برخه کې خپلې کړې ژمنې عملي کړي. د ملي یووالي حکومت بیا وايي، د بنخو پرمختګ او سیاسي مشارکت ته ژمن دی او په دې برخه کې د پام وړ کارونه هم شوي دي.

پولیس:

یک محموله بزرگ چرس کشف و ضبط شد



مواد مخدری که از سوی قاچاقبران در دسته‌های جاروب‌های دستی جاسازی شده بود، کشف شده است. در یکی از موارد تازه، یک خانم که کپسول‌های حاوی هیرویین را بلعیده بود و قصد داشت به بیرون از کشور منتقل کند، از میدان‌هوایی بین‌المللی کابل، بازداشت شد.

می‌دانند که محموله‌ی قاچاقی‌شان از سوی پولیس کشف و ضبط شده و خودشان موفق به فرار شده بودند. در این اواخر پولیس مبارزه علیه مواد مخدر گزارش‌های پیچیده‌ی را از کشف و ضبط مواد مخدر و بازداشت قاچاقبران خبر می‌دهد. چندی پیش، این اداره خبر داده بود که مقدار

پولیس مبارزه علیه مواد مخدر وزارت داخله کشور اعلام کرده است که در نتیجه چند عملیات کشفی موفق به کشف و ضبط یک محموله بزرگ چرس شده و نیز چند نفر از قاچاقبران، بازداشت شده‌اند. در خبرنامه‌یی که وزارت امور داخله، روز یکشنبه ۷ سنبله منتشر کرده، آمده است که اداره مبارزه علیه مواد مخدر این وزارت طی چند عملیات در مربوطات ولایت‌های ننگرهار، محموله‌ی ۱۱۵۲ کیلوگرامی چرس پخته را کشف و ضبط کرده است. بر اساس گزارش وزارت داخله، قاچاقبران قصد داشتند که این مقدار چرس را از ننگرهار به کابل منتقل کنند. پولیس در پیوند به انتقال این مقدار چرس، دو فرد را نیز بازداشت کرده است. هم‌چنان در یک عملیات دیگری که در مربوطات ولایت کندهار به راه انداخته شده بود، دو تن از قاچاقبران بزرگ مواد مخدر، بازداشت شده‌اند. در خبرنامه وزارت داخله آمده است که این افراد حدود دو سال قبل از چنگ پولیس فرار کرده بودند که پس از تلاش‌های مداوم، اکنون بازداشت شده‌اند. بر اساس خبرنامه، این دو قاچاقبر در زمستان سال ۱۳۹۳، به مقدار ۲۴۹،۵ کیلوگرام هیرویین را انتقال

فیسبوک نامه

دستگیر روشنیالی



کله چي يو انسان او يا يوه ټولنه ستونزو ته د حل د لارو او د پيښو د لاملونو په پيدا کولو کي پاتې راځي په طبعي توگه يا د تقدير او غيبې قوتونو مرسته غواړي او يا هم په اوتومات توگه پرون او پرونيو اتلانو ته مراجعه کوي او د پرونيو اتلانو په افکارو او وصيتونو کي د اوسني ستونزو حل لټوي. دا ډول چلند د اوليه ټولنو ځانگړتيا ده، چېرې چي انسان د پيښو د لاملونو په پيدا کولو کي بې وسه وو. په پرمختلليو ټولنو کي د پيښو څېړنه او د هغوې د لاملونو پيدا کول يوشکاري او عادي کار گرزيږي دي. مور په يوه پېچلې او په چټکې سره بدلېدونکې نړۍ کي ژوند کوو او په دي ډول يوه نړۍ کي نه شيان او پيښي په تور او سپين ويشل کېږي او نه د شيانو او پيښو ساده کول د پېرندني او د حل له چارې سره مرسته کولاي شي. پېچلې پيښې پېچلې حل غواړي او دا ډول حل کول د پيښو علمي، هر اړخيزه او ژوره څېړنه، دقت او وخت غواړي. دستونزو په پېرندلو، حل کولو او بدلولو کي تر ټولو مهمه مسله ددي ستونزو د حرکت د لوري پيدا کول او د اصلي لامل په گوته کول دي.

که ساده کول او په منډه حکم ورکول له يوي خوا د ناپوهي او فکري ټېلې دود دي، له بلې خوا د افراطي عملونو توجيه کول هم دي. د نيو پېچلې او په چټکې سره بدلېدونکو ستونزو او حالاتو ځواب ساده کول او پرون ته مراجعه کول نه دي.

صبور سياه سنگ



«آن‌ها که زنده‌اند»

چهل سال پیش نام داستان‌نویسی در میان رهروان جنبش چپ ایران و سپس افغانستان سر زبان‌ها افتاد: «Jean Lafitte» نویسنده کتاب‌هایی با دید آرمانی و آزادی‌خواهانه چون «بر می‌گردیم گل نسرین بچینیم»، «رز فرانس» و «آن‌ها که زنده‌اند». راست و دروغش را خداوند می‌داند، می‌گفتند: «ژان لافیت» هنوز زاده نشده و ساخته و پرداخته چپ‌گرایان مائویست ایران، به‌ویژه حسین نوروزی، ابراهیم خرم، خسرو بیداریان و احمد صادق است.

سوژه نبشته کنونی یافتن زنده‌گی‌نامه ژان لافیت نیست. سرنامه سومین کتابش را وام می‌گیرم و می‌گذارم دم چشم آنانی که پس از مرگ هر هنرمند، دانشمند، نویسنده و هستی فرهنگی ناگهان در سیما و کردار پدر بزرگ (گاه مادر بزرگ) نمایان می‌شوند و خشم‌گینانه بر همه‌گان چیغ می‌زنند: «چرا در زنده‌گی او نوشتید؟ اکنون که مرده‌است، می‌نویسید؟»

این فرماندهان که خود را در جایگاه فراتر از هر شنونده و خواننده می‌پندارند، باور دارند که فریادهای پرشی‌شان باید همواره به نشانی دیگران پرتاب شوند و هرگز مانند boomerang استرالیایی به خودشان برنگردند.

به بیان دیگر، نمی‌خواهند از میان نواده‌گان گستاخ یکی برخیزد و بپرسد: بزرگوار! ما شرم‌ساران بی‌آزم سرافکنده‌گی را پذیرفتیم. شما که داناتر و آگاه‌تر بودید و هستید، چرا در زنده‌گی او نوشتید؟ این هم فدای سرتان! شاید وقت یا شکیبایی نداشتید. اکنون که مرده‌است چرا نمی‌نویسید؟ همین.

از ژان لافیت می‌گفتم و نام کتابش «آن‌ها که زنده‌اند». یادم آمد که دکتور اکرم عثمان پانزده روز پیش در آستانه هشتاد ساله‌گی جان سپرد. خدایش بیامرزد. خوش‌بختانه هم‌روزگاراناش (واصف باختری، محمد اعظم رهنورد زریاب، سپوژمی زریاب، اسدالله حبیب و چند بزرگ دیگر) کمابیش هفتاد سال زیسته‌اند. هفتاد دیگر ارزانی گام‌های‌شان باد. خداوند سایه‌شان را کم و خواب‌شان را دیر نسازد.

پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌های تندخوی پرسش‌گر روین‌تن را با ارج فراوان بگذاریم به جاهای آسیب‌ناپذیر در تاق بلند فرمان‌روایی، بیایید از «آن‌ها که زنده‌اند» بنویسیم.

گرچه تنها خداوند می‌داند از میان من و شما و آن‌ها چه کسی زودتر خواهد رفت و چه کسانی دیرتر، پیش از آن‌که باز هم دیر شود، باید بنویسیم تا اندکی هم اگر شده، از شرمنده‌گی فردای خویش کاسته باشیم.

به‌گفته پسر شوخ همسایه: این گز و این میدان

وعده ترامپ برای اخراج فوری هزاران پناهجو و ساخت دیوار مرزی

نامزد حزب جمهوری‌خواه در انتخابات ریاست جمهوری امریکا اعلام کرد، در صورت پیروزی در انتخابات، بلافاصله پس از سوگند به‌عنوان رییس‌جمهور امریکا، اخراج "پناهجویان متخلف" را آغاز خواهد کرد.

دونالد ترامپ، این سخنان را در ایالت آیوا ایراد کرد. او گفت: در روز اول، من به اخراج مهاجران غیرقانونی و مجرم که صدها هزار نفر از آن‌ها در دوران دولت اوباما-کلیتون وارد جوامع امریکایی شده‌اند، خواهم پرداخت.

ترامپ ادامه داد: من یک دیوار مرزی بزرگ ساخته و کنترل مرزی سراسری در کشور ایجاد خواهم کرد تا از ورود مهاجران غیرقانونی جلوگیری کنم.

به‌گفته او، رأی به ترامپ، یعنی رأی به ایجاد یک ملت قانونمند، اما رأی به کلیتون به معنای رأی به مرزهای باز است.

او پیشتر گفته بود که ۱۱ میلیون نفری را که به‌طور غیرقانونی در امریکا زنده‌گی می‌کنند، از کشور اخراج خواهد کرد، اما اکنون می‌گوید که تنها مجرمان را از کشور بیرون خواهد کرد.

ترامپ در ادامه وعده داد که به یافتن شغل برای شهروندان امریکایی-آفریقایی کمک کند، او گفت: هر زمان که یک شهروند امریکایی-آفریقایی یا هر شهروند دیگری در کشور به‌خاطر یک مهاجر غیرقانونی شغل خود را از دست می‌دهد، حقوق آن‌ها به‌طور کامل نقض می‌شود.

درحالی‌که تنها چند ماه تا برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در امریکا در ماه نوامبر سال‌جاری میلادی باقی مانده است، ترامپ در نظرسنجی‌های اخیر عقب‌تر از هیلاری کلیتون، نامزد حزب دموکرات‌ها جای دارد. او از سوی اقلیت‌های بسیار کم حمایت می‌شود و به دلیل پیشنهاداتش در مسأله مهاجرت که شامل اخراج میلیون‌ها خارجی بدون مدارک، ایجاد دیواری در مرز با مکزیک و ممنوعیت ورود مسلمانان به امریکا می‌شود، بسیار مورد انتقاد قرار می‌گیرد.

بازداشت عوامل جذب گروه تروریستی «داعش» در پاکستان

نهادهای اطلاعاتی پاکستانی در ولایت بلوچستان اعلام کردند که برخی از عوامل داعش که افرادی را پس از جذب در این گروه تروریستی برای آموزش به افغانستان اعزام می‌کردند را بازداشت کرده‌اند.

نهادهای مجری قانون پاکستان، عملیات اطلاعاتی ویژه‌یی را برای دستگیری ۷ تروریست که فرمانده سابق القاعده و داعش در میان آن‌ها است را در منطقه «نوشکی» بلوچستان انجام داده‌اند.

برخی از منابع مخفی مدعی شدند که این عملیات براساس بازجویی‌هایی از اعضای بازداشتی القاعده، انجام شده است. هم‌چنین این تروریست‌ها گفتند که از سوریه به پاکستان برگشتند و برای القاعده و داعش نیرو جذب می‌کردند. سپس آن‌ها را برای آموزش به افغانستان اعزام می‌کردند.

بازجویی‌های بیشتر در مورد عناصر داعش و القاعده مستقر در پاکستان در حال انجام است و اقداماتی برای دستگیری بیشتر این عناصر اتخاذ شده است.

در این عملیات، یک انبار مخفی تسلیحات و تجهیزات جنگی نیز از تروریست‌ها کشف و ضبط شده است.

این تجهیزات شامل بمب دست ساز، مواد منفجره سلاح‌های کلاشنیکف، شمشیر، تلسکوپ دوربین، نوت بوک و تعدادی موبایل بود.

از زمان اعلام حضور برخی افراد وابسته به گروه تروریستی داعش در افغانستان، طالبان این کشور به‌صورت جدی مبارزه با آن‌ها را آغاز کردند.

در همان ماه‌های ابتدایی حضور این افراد، «ملا اختر منصور» رهبر سابق طالبان در نامه‌یی خطاب به ابوبکر بغدادی مخالفت خود را با حضور این گروه در افغانستان اعلام کرد. افراد طالبان در برخی ولایات افغانستان از جمله هرات، فراه و زابل عملیات‌های گسترده‌یی را علیه داعش آغاز کرده‌اند که منجر به بیرون رفتن داعش از این سه ولایت شد.

قبلاً نیز برخی از مقامات ولایت ننگرهار مدعی شدند که بیشتر عناصر گروه تروریستی داعش در شهرستان «کوت» ننگرهار پاکستانی هستند و تحت فرماندهی سازمان اطلاعات ارتش پاکستان (آی.اس.آی) می‌جنگند.

معاون پیشین فنی و مسلکی ریاست تربیت بدنی:

هیچ دریچه روشنی برای ورزش وجود ندارد



هارون مجیدی

ناصر هوتکی، معاون فنی و مسلکی ریاست عمومی تربیت بدنی از سمتش به دلیل آنچه پراکنده‌گی و بی‌برنامه‌گی در ورزش افغانستان عنوان داشته، استعفا کرده است.

او گفته است که هیچ دریچه روشنی به این زودی‌ها برای ورزش افغانستان وجود ندارد.

معاون پیشین فنی و مسلکی ریاست تربیت بدنی افغانستان در نامه‌یی به رییس‌جمهور غنی نگاشته است: اداره ورزش افغانستان از بدو تأسیس تا کنون دچار نارسایی‌ها و کاستی‌های فراوانی بوده و بیشتر مسوولان این اداره، سال‌های سال با بی‌کفایتی تمام بر آن حکمروایی ناشیانه کرده‌اند.

به‌گفته آقای هوتکی: یکی از دلایل عمده عدم توجه به ورزش، نبود درک و آگاهی درست دولت‌مردان افغانستان از دولت‌های چپی و راستی تا دولت کنونی از اهمیت ورزش برای سلامت جامعه، افتخارآفرینی از رقابت‌های جهانی و تقویت پروسه طبیعی ملت‌سازی بوده است و دقیقاً به همین دلایل، نظام‌های افغانستان همواره ضعیف‌ترین‌ها و بیکاره‌ترین‌ها را به رهبری ورزش افغانستان منصوب کرده‌اند.

معاون پیشین فنی و تخنیک ریاست عمومی تربیت بدنی افغانستان در ادامه گفته‌هایش به رییس‌جمهور نوشته است: ورزش افغانستان هیچ‌گاهی تا بدین پیمانده چهار تشت و پراکنده‌گی و بی‌برنامه‌گی نبوده است. ورزش افغانستان هیچ‌گاهی تا بدین حد از فقدان یک مدیریت آگاه رنج نبرده است و تا این سطح در سراسری سقوط قرار نداشته است. این همه، ره‌آورد حکومت وحدت ملی و ارکان این حکومت و حمایت شماری از نزدیکان شما در اداره امور است.

آقای هوتکی افزوده است: با دریغ و درد که با آمدن رییس‌جمهور غنی در رأس حکومت وحدت ملی، از یک‌سو مبارزه با فساد بیشتر گزینشی و سلیقه‌یی شد، از سوی دیگر ابعاد تبعیض و تعصب و سیاست حذف با استراتژی مدون و در پوشش آکادمیک، اجرایی شد.

او گفته است که آقای غنی خود مجری سیاست‌هایی شد که همواره دیگران را به انجام آن متهم می‌کرد.

آقای هوتکی دوره حکومت‌داری رییس‌جمهور غنی را تاریک‌ترین و سیاه‌ترین دوره ورزش افغانستان دانسته و گفته است: ریاست عمومی تربیت بدنی و ورزش به عنوان یگانه نهاد عالی دولتی ورزش افغانستان که مسوولیت رشد و بالنده‌گی و همه‌گانی ساختن ورزش و حمایت از فدراسیون‌ها و تیم‌های ملی و در کلیت مسوولیت رهبری ورزش را در کشور به عهده دارد، تا گلو در منجلاب فساد بی‌پیشینه غرق است.

آقای هوتکی با بیان این‌که سوء استفاده‌های فراوان مالی تنها بخشی از مشکلات اداره ورزش افغانستان است، می‌افزاید: انتصاب غیرقانونی و سلیقه‌یی آمرین ورزشی ولایات، انتصاب غیرقانونی آمرین شعبات در مرکز، تعیین غیرقانونی افراد خارج از اداره به حیث سرپرست در ریاست‌ها و آمریت‌های اداره، انتصاب غیرقانونی افراد در بخش‌های مالی و اداری و حفظ غیرقانونی حکم جناب شما مبنی به لغو تعیین سرپرست‌ها و ده‌ها مورد دیگر بخش دیگری از عملکردهای فراقانونی این اداره است.

معاون پیشین فنی و مسلکی تربیت بدنی افغانستان در بخش دیگری از نامه خود یادآوری کرده است: با اندوه بزرگ باید بگویم که به این زودی‌ها هیچ دریچه‌یی به‌سوی روشنایی ورزش وجود ندارد، زیرا شما و سردمداران حکومت وحدت ملی آن‌قدر مصروف زد و بندهای قومی و سیاسی و سلیقه‌یی هستید که فرصتی هر چند اندک به ورزش ندارید.

گفتنی است که ناصر هوتکی در ۷ حمل امسال به حکم رییس‌جمهور غنی عنوان معاون فنی و مسلکی فدراسیون تکواندوی افغانستان گماشته شده بود.

ناصر هوتکی، یکی از چهره‌های شناخته‌شده ورزش افغانستان و بنیان‌گذار تکواندوی پومسه در افغانستان نیز می‌باشد.

عکسی که حیرت‌انگیز شد!



عکس یک صخره با نمایی از تصویر احمدشاه مسعود در شبکه‌های اجتماعی دست به دست می‌شود و حیرت‌برانگیز عنوان شده و سبب شکل‌گیری بحث‌هایی شده است. احمدشاه مسعود قهرمان ملی افغانستان است و از احترام بالایی در بین مردم کشور برخوردار است. این برداشت که نمایی از او در یک صخره دیده می‌شود، با تبصره‌های متفاوت در شبکه‌های اجتماعی، مواجه شده است.

مولوی عطاالرحمان سلیم، از همکاران پیشین احمدشاه مسعود و معاون شورای عالی صلح، با نشر عکسی از یک صخره با این مشخصات، موقعیت آن را ولایت بدخشان نوشته است.

او نوشته است که این عکس، بین ولسوالی نسی درواز و ولسوالی ماه می، منطقه‌یی به نام "آب چک" که در سلسله کوه‌های دره رزمی موقعیت دارد، دیده شده است.

به گفته آقای سلیم، زمانی که کارگران می‌خواستند جهت توسعه سرک، کوه بزرگی را انفجار بدهند، از دل کوه [این تصویر] پیدا شده است.

به گفته عطاالرحمن سلیم، ده‌ها نفر در جریان آن حادثه نادر حضور داشته‌اند.

منبع می‌گوید: یکی از این عکس در لب سنگر، در حال برآمدن و تصویر دومی در دل کوه که خیلی جالب و دیدنی است.

منبع می‌گوید که بعد از آن رویداد (کشف شدن عکس مسعود در دل کوه) هزاران نفر از ساحه دیدن می‌کنند.

او می‌گوید که این ساحه توسط سربازان نگهداری می‌شود. به گفته برخی منابع دیگر این رویداد چند سال پیش اتفاق افتاده اما رسانه‌یی نشده بود. به دنبال پخش گسترده این عکس در صفحات اجتماعی، عده‌یی نشرکننده‌گان عکس را متهم به خرافات و اوهام کرده‌اند و گفته‌اند که شیفته‌گی

بیش از حد، سبب یک چنین برداشتی شده است. اما شاهدان عینی می‌گویند که چنین رویدادی را نمی‌توان عادی یا ساخته‌گی شمرد. از این رو لازم است که رسانه‌ها و اهل خیره به محل رفته، این صخره و اتفاقی که افتاده است را از نزدیک ببینند و به دوری بنشینند.

وزارت مهاجرین:

اکثر مهاجرینی که برگشته‌اند

مدرک اقامت پاکستان را داشته‌اند

وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان خبر داده است که اکثر خانواده‌هایی مهاجر که طی دو هفته گذشته از پاکستان برگشته‌اند، مدرک اقامت در این کشور را داشته‌اند.

در گزارشی که در وبسایت وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان به نقل از ریاست مهاجرین ننگرهار به نشر رسیده، آمده است که در روزهای چهارشنبه و جمعه (۳ و ۵ سنبله) به تعداد ۱۱۵۸ خانواده از پاکستان به کشور برگشته‌اند که اکثر آن‌ها مدرک اقامت در این کشور را داشته‌اند.

در گزارش آمده است که در مجموع طی این دو روز به تعداد ۶۵۴۷ نفر از پاکستان به کشور برگشته‌اند.

بر اساس گزارش وزارت امور مهاجرین، روز چهارشنبه به تعداد ۵۴۷ خانواده که شامل ۳۰۸۲ خانواده می‌شود و نیز روز جمعه ۶۱۱ خانواده که شامل ۳۴۶۵ نفر می‌شوند، به کشور برگشته‌اند.

بر اساس این گزارش، از جمع بازگشت کنندگان ۷۱۴ خانواده دارای مدرک قانونی اقامت در پاکستان بوده که هنگام برگشت از سوی اداره عالی مهاجرت سازمان ملل متحد کمک نیز دریافت کرده‌اند.

در گزارش آمده است که به تعداد ۱۳۵ خانواده‌ی عودت کننده که فاقد مدرک اقامت بوده‌اند، به سازمان بین‌المللی مهاجرت معرفی شده‌اند تا کمک دریافت کنند.

برگشت مهاجران افغانستان از پاکستان پس از آن افزایش یافته است که تنش‌های سیاسی میان دو کشور اوج گرفته است.

در تازه‌ترین مورد، حکومت پاکستان دروازه‌ی مرزی میان افغانستان و پاکستان را که ساحه‌ای موسوم به چمن از مربوطات ولایت کندهار موقعیت دارد، مسدود ساخته است.

داعش همچنان یک خطر جدی است



پیروزی‌های نظامی اخیر علیه گروه تروریستی داعش خوش‌بینی در خصوص نزدیک بودن پایان کار این گروه را افزایش داده اما صاحب‌نظران هشدار می‌دهند که داعش همچنان یک نیروی تروریستی توانمند است. به گزارش ایسنا، به نقل از پایگاه پرس هرالد، مقامات پنتاگون و آژانس‌های اطلاعاتی آمریکا در حال حاضر گروه تروریستی داعش را یک نیروی نظامی در هم شکسته و رو به تضعیف که هر چه بیشتر روحیه خود را از دست می‌دهد، تلقی می‌کنند. این نشان‌دهنده تغییر چشمگیر وضعیت این گروه است که دو سال پیش به هنگام اعلام موجودیت و به اصطلاح خلافت خود همانند یک ارتش افراط‌گر شکست ناپذیر به نظر می‌رسد.

این ارزیابی‌های جدید بعد از آن مطرح می‌شود که طی روزهای اخیر و همچنین در طول تابستان امسال پیروزی‌های سریع و نسبتاً کمتر خشنی علیه مواضع گروه تروریستی داعش در مناطق مرزی سوریه با ترکیه و همچنین در مناطق سنی نشین کشور عراق به دست آمد.

این در حالی است که قبلاً این دو منطقه مناطقی بودند که در ظاهر داعش جایگاه تثبیت شده‌ای در آنها پیدا کرده بود. تسخیر سریع شهر جرابلس طی چند روز گذشته که به عنوان آخرین مقر شبه نظامیان داعش در مرز ترکیه در نظر گرفته می‌شد به بسته شدن مناطق مرزی که تا پیش از این برای جابه جایی نیرو، محموله‌ها و پول برای شبه دولت گروه داعش ضروری بود، کمک کرد.

همچنین جنگی که برای بازپس گیری جرابلس انجام شد نشان داد که تروریست‌های داعش دیگر تمایل ندارند در مقابل یک حمله پایدار و مداوم به هر قیمتی برای حفظ اراضی خود بجنگند. براساس گزارش‌ها در

شبه نظامیان با این حال همچنان به انفجار خودروهای بمب گذاری شده و انجام حملات انتحاری شبانه در بغداد می‌پردازند این وضعیت ممکن است شورش‌ها و درگیری‌های فرقه‌ای خونینی را که بعد از حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ این کشور را به یک کشتارگاه تبدیل کرد، به عراق بازگرداند.

از طرفی داعش نیز ممکن است تبدیل به یک شبکه تروریستی جهانی بدون کشور مثل چیزی که القاعده بعد از سال ۲۰۰۱ به آن تبدیل شد، تغییر ماهیت دهد. دیگر شبه نظامیان نیز ممکن است از درگیری‌ها فرار کنند تا جان خود را نجات دهند اما به گفته کارشناسان آنها در صدد این هستند که در زمان و مکانی مناسب به انتخاب خود دوباره بجنگند. آنها ممکن است به درگیری‌های دیگر فرستاده شده یا به عنوان بمب گذار انتحاری مورد استفاده قرار بگیرند.

با این حال گروه تروریستی داعش همچنان دامنه نفوذ گسترده‌ای دارد این گروه طبق برآوردهای آمریکا هنوز نیمی از مناطقی که در سال ۲۰۱۴ در عراق اشغال کرد و ۷۰ درصد اراضی خود در سوریه را در دست دارد و همچنان می‌تواند از طریق اخذ مالیات و دیگر اخاذی‌ها میلیون‌ها دلار درآمد کسب کند.

برآوردهای اطلاعاتی فعلی آمریکایی‌ها نشان می‌دهد که داعش در حال حاضر چیزی نزدیک به ۱۶ هزار نیرو دارد و این نیمی از تعداد نیروهای این گروه در حدود یک سال پیش است اما همچنان نیروی قابل ملاحظه‌ای است.

مقامات آمریکایی در مقابل به پیشرفت‌های دو سال اخیر علیه داعش و انجام بیش از ۱۴ هزار حمله هوایی علیه این گروه تروریستی اشاره می‌کند.

جنرال شان مک فارلند، فرمانده سابق نیروهای آمریکایی شرکت کننده در عملیات علیه داعش اظهار کرد: تعداد شبه نظامیان حاضر در خط مقدم کاهش یافته است. داعش نه تنها به لحاظ کمیت بلکه به لحاظ کیفیت نیز تضعیف شده است.

در مراکز شهرها بمب گذاری با خودرو انجام دهند و حملاتی با سلاح‌های کوچک انجام دهند اما دیگر نمی‌توانند به شکل روزانه دست به جنگ‌های سنگین بزنند. به عبارت دیگر در آن زمان ما به وضعیتی که در سال ۲۰۱۳ با داعش داشتیم باز خواهیم گشت.

با این حال مقامات اطلاعاتی آمریکا به رقم این خوش بینی هشدار می‌دهند قابلیت داعش برای الهام بخشیدن جهت انجام حملات تروریستی در کشورهای خارجی و سازماندهی چنین حملاتی همچنان پابرجا است و شاید با ناتوانی حامیان خارجی داعش برای رسیدن به خلافت، این خطر حتی بزرگ‌تر شود.

نیکولاس راسموسن، رییس مرکز ملی مبارزه با تروریسم آمریکا اخیراً به کمیته امنیت مجلس نمایندگان آمریکا گفته: به رقم پیشرفت‌های اخیر ارزیابی ما این است که توانایی داعش برای انجام حملات تروریستی تا به حال به این میزان چشمگیر تضعیف نشده بود.

حمله تحت رهبری تانکهای ارتش ترکیه به جرابلس تنها یک شبه نظامی کشته شد و صدها تن دیگر از آنها فرار کردند.

در همین حال مقامات آمریکایی در نتیجه پیروزی‌های اخیر از امکان آغاز حمله برای بازپس گیری شهر موصل عراق به عنوان پایتخت به اصطلاح خلافت این گروه در عراق ظرف پاییز سال جاری خبر دادند. این شهر یک میلیون نفری در مقابل حملات نیروهای کرد و عراقی که به سمت آن پیشروی می‌کنند هرچه بیشتر در محاصره قرار می‌گیرد.

مایکل نایتس، کارشناس امور عراق در موسسه سیاست خاور نزدیک واشنگتن اظهار کرد: بازپس گیری موصل در کنار بازپس گیری شهرهای دیرالزور و رقه در سوریه پایان کار خلافت داعش را رقم خواهد زد.

وی اظهار کرد: بعد از سقوط این شهرها داعش دیگر گروه تروریستی سابق نخواهد بود. آنها شاید بتوانند